**مسجد جلوه‌ی اراده‌ی مردم در عمران خانه‌ی خدا**

**ایجاد انگیزه**

خداوند تبارک و تعالی در دو آیه از قرآن تعبیر باقیات الصالحات را آورده است. یک‌بار می‌فرماید: «الْمالُ وَ الْبَنُونَ زينَةُ الْحَياةِ الدُّنْيا وَ الْباقِياتُ الصَّالِحاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَ خَيْرٌ أَمَلاً»[[1]](#footnote-1) و در جای دیگری می‌فرماید: «وَ يَزيدُ اللَّهُ الَّذينَ اهْتَدَوْا هُدىً وَ الْباقِياتُ الصَّالِحاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَ خَيْرٌ مَرَدًّا».[[2]](#footnote-2) باقیات الصالحات به معنای کارهای نیکِ ماندگار است. کارهای ماندگاری که دلیل ماندگاری آنها را خداوند متعال این‌گونه بیان فرموده است: «ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ باقٍ».[[3]](#footnote-3) چون خدا ماندگار است، کارهایی که برای او انجام می شود نزد او به یادگار خواهد بود؛ بنابراین ماندگار خواهد ماند. باقیات الصالحات کدام اعمال هستند؟ در روایات گوناگون مصداق‌هایی برای باقیات الصالحات ذکر شده است؛ مثل فرزند صالح، اذکار، نماز شب و غیره. اما مفسران گوناگون به تصریح و کنایه، هر عمل خوب را باقیات الصالحات نامیده‌اند. یکی از باقیات الصالحات، ساختن مسجد است.کار نیک ماندگاری که با سیر در تاریخ پرفراز و نشیب بشر و در برهه‌های مختلف تاریخی می‌توان اهمیت و ارزش آن را به خوبی مشاهده کرد.

**اقناع اندیشه**

در قرآن کریم به کسانی که به خدا و آخرت ایمان دارند،[[4]](#footnote-4) فرمان داده شده که به الگوها و اسوه‌های حسنه اقتدا کنند. قرآن کریم چه کسانی را به عنوان الگو به ما معرفی می‌کند؟ در جایی از ابراهیم به عنوان الگو و اسوه یاد می‌کند و می‌فرماید: «قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ في‏ إِبْراهيمَ».[[5]](#footnote-5) در جای دیگری رسول خدا را الگو و اسوه حسنه می‌داند و می‌فرماید: «لَقَدْ كانَ لَكُمْ في‏ رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَة».[[6]](#footnote-6)

یکی از ویژگی‌‌های مشترکی که در این دو پیامبر وجود داشته، مبادرت ایشان به تعمیر و ساخت مسجد بوده است. این ویژگی در بسیاری از پیامبران الهی به چشم می‌خورد؛ چنان‌که در برخی از روایات بیان شده است که آدم (علی نبینا و آله علیه السلام) برای اولین بار اقدام به ساخت مسجد کرد و خانه کعبه و مسجد کوفه به دست ایشان احداث شد و نوح (علی نبینا و آله علیه السلام) نیز مسجد کوفه را تعمیر و بازسازی کرد.[[7]](#footnote-7) اما در خصوص ساخت عمران و مسجد به دست این دو پیامبر ـ که قرآن در الگو و اسوه بودن ایشان به نام تصریح دارد ـ قرآن کریم نیز آیاتی را ذکر کرده است.

ابراهیم پس از موفقیت در امتحانات الهی، مأمور می‌شود که با همکاری و همیاری فرزندش حضرت اسماعیل (ع) و ارشاد و راهنمایی جبرئیل (ع) چیدن دیوار کعبه را آغاز کند. او در بیست و هفتم ذیقعده بنای کعبه را تکمیل و سپس حجرالاسود را که از سنگ‌های بهشتی است، بر دیواره آن نصب می‌کند.[[8]](#footnote-8) قرآن این جریان را ضمن آیات 125 تا 127 بقره این‌گونه بیان فرموده است: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى‏ إِبْراهيمَ وَ إِسْماعيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائِفينَ وَ الْعاكِفينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ (125) وَ إِذْ قالَ إِبْراهيمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَليلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلى‏ عَذابِ النَّارِ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ (126) وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْراهيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْماعيلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ (127)».[[9]](#footnote-9) نکته بسیار جالب اینجاست که ابراهیم زمانی به انجام این مهم امر می‌شود که از امتحانات الهی سربلند بیرون آمده و به مقام امامت رسیده است. شاید بتوان از این آیات اهمیت و ارزش مسجدسازی و عمران خانه خدا را فهمید. نکته‌ای که باز هم قرآن کریم در جای دیگری به تصریح آن را بیان کرده و می فرماید: «إِنَّما يَعْمُرُ مَساجِدَ اللَّهِ مَنْ‏ آمَنَ‏ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَى الزَّكاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللَّهَ فَعَسى‏ أُولئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدينَ».[[10]](#footnote-10) می‌دانید چه کسانی می‌توانند عمران و آبادی مسجد را به عهده بگیرند؟ مساجد خدا را تنها كسانى آباد مى‏كنند كه به خدا و روز بازپسين ايمان آورده و نماز برپا داشته و زكات داده و جز از خدا نترسيده‏اند. بنابراین این‌گونه نیست که هر کس توفیق انجام این وظیفه را پیدا کند.

اولین کسی که در اسلام اقدام به ساخت مسجد می‌کند، خود رسول خداست. فشارها و تهدیدها به اوج خود رسیده و دیگر در مکه برای رسول خدا جایی نبود. باید موقتاً به مکان دیگری می‌رفت تا در فرصت مناسب و با عِدّه و عُدّه بیشتری بازگردد و کار را یکسره کند. ایشان شبانه مکه را به مقصد یثرب ترک می‌کند. اندکی مانده به مدینه در میان طایفه بنی عمرو‌بن عوف، منتظر علی و خانواده‌اش می‌شود. پیش از حضرت عده دیگری از مسلمان‌ها، از مکه به نیت یثرب گریخته و در آنجا سکنی گزیده بودند. پیامبر در اوج مبارزات خود و در مدتی که در این مکان یعنی قُبا به سر می برد تصمیم به ساخت مسجد می‌گیرد. مسجدی که آن‌چنان دارای مقام است که در شأن آن آیه‌ای نازل می‌شود. آیه‌ای که باعث می‌شود تا مسلمانان از آن تاریخ به بعد مسجد قبا را با نام مسجد تقوی یاد کنند. قرآن در این باره می‌فرماید: «لا تَقُمْ فيهِ أَبَداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوى‏ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فيهِ فيهِ رِجالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرينَ».[[11]](#footnote-11)

پس از پایان مسجد قبا، رسول خدا در میان غریو شادی مسلمانانی که چون خودِ ایشان مکه را به نیت یثرب‌، ترک گفته بودند وارد یثرب می‌شود. یثربی که چندی بعد با نام مدینه النبی شناخته می‌شود. اولین اقدام نبی اکرم پس از اسکان در منزل ابوایوب انصاری، احداث مسجدی است که دیوارها و پایه‌های آن از خشت خام و سقف آن از شاخه‌های خرما است. مسلمانان هم‌دوش پیامبر اقدام به احداث مسجدی می‌کنند که تا سالیان دراز به عنوان مهمترین مرکز اجتماعی جامعه اسلامی شناخته می‌شود. مسجد‌النبی نه فقط محلی برای اعتکاف و عبادت که جایی برای اجتماع مسلمانان به هنگام مشورت و کلاس درسی برای آموزش‌های دینی و اعتقادی محسوب می‌شود.

رهبر انقلاب داستان بناء این مسجد را این‌گونه روایت می‌کنند: جلوِ خانه‏ى ابى ايّوب انصارى، زمينِ افتاده‏اى بود. [پیامبر] فرمود اين زمين مال كيست؟ گفتند متعلّق به دو بچه‏ى يتيم است. پول از كيسه‏ى خود داد و آن زمين را خريد. بعد فرمود در اين زمين مسجد مى‏سازيم؛ يعنى يك مركز سياسى، عبادى، اجتماعى و حكومتى؛ يعنى مركز تجمّع مردم. جايى به عنوان مركزيّت لازم بود؛ لذا شروع به ساختن مسجد كردند. زمين مسجد را با پول خود خريد. وقتى بنا شد مسجد بسازند، خود پيغمبر جزو اوّلين كسان يا اوّلين كسى بود كه آمد بيل را به دست گرفت و شروع به كندنِ پى مسجد كرد؛ نه به عنوان يك كار تشريفاتى، بلكه واقعاً شروع به كار كرد و عرق ريخت. طورى كار كرد كه بعضى از كسانى كه كنارى نشسته بودند، گفتند ما بنشينيم و پيغمبر اين‏طور كار كند!؟ پس ما هم مى‏رويم كار مى‏كنيم؛ لذا آمدند و مسجد را در مدت كوتاهى ساختند.[[12]](#footnote-12)

اما در اینجا لازم است یکی دیگر از تعمیرات مسجد که به دست پیامبر صورت گرفت و برای امروز ما بسیار درس‌آموز است، مرور کنیم. مقدمتاً باید عرض کرد که عمران و آبادانی همیشه به معنای سنگ روی سنگ گذاردن و خشت و چوب به هم پیوند دادن نیست. عمارت در مقابل خرابی قرار دارد و چنان‌که راغب در مفردات می‌گوید منظور از عمارت گاهی حفظ بنا می باشد.[[13]](#footnote-13) حال این حفظ گاهی مربوط به ساختمان و جسم مسجد است و گاهی مربوط به معنا و روح مسجد مربوط می‌شود.

این واقعه‌ی درس‌آموز مربوط به سال نهم هجری است. خبر آتش گرفتن مسجدی به سرعت در شهر مدینه پیچید. این خبر موج نگرانی در مردم ایجاد کرد؛ اما این نگرانی وقتی دوچندان شد که مردم شنیدند رسول خدا دستور به آتش زدن مسجد داده است. رسول خدا که خود در سخنان گوناگون مسلمانان را تشویق به احداث مسجد می‌نمود و حتی برای نشان دادن ارزش این کار خود اقدام به ساخت مسجد نموده بود، حالا فرمان داده بود مسجدی را آتش بزنند. چرا؟

داستان مربوط می شود به زمانی که گروهی از افراد به ظاهر مسلمان اجازه ساخت مسجدی را از رسول خدا گرفتند. به این بهانه که به ما اجازه دهید مسجدی در میان قبیله بنی‌سالم، نزدیک مسجد قبا بسازیم تا افراد ناتوان و بیمار و پیران ازکارافتاده در آن عبادات خود را انجام دهند و در شب‌های بارانی که گروهی از مردم توانایی آمدن به مسجد شما را ندارند، فریضه‌ی نماز را آن‌جا انجام دهند. پیامبر که با گروهی از مسلمانان عازم جنگ تبوک بودند، به آن‌ها مجوز ساخت داد. پس از بازگشت پیامبر از تبوک، آن‌ها مجدداً نزد پیامبر آمده و تقاضا کردند که خود پیامبر با اقامه نماز در این مسجد آن را افتتاح کند. اینجا بود که پیش از ورود رسول خدا به دروازه‌های مسجد، فرشته‌ی وحی نازل گشت و آیات 107 تا 110 سوره‌ی توبه را بر پیامبر نازل کرد و پرده از اسرار کار این منافقان برداشت. قرآن در این ‌باره می‌فرماید: «وَ الَّذينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَ كُفْراً وَ تَفْريقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنينَ وَ إِرْصاداً لِمَنْ حارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنا إِلاَّ الْحُسْنى‏ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ (107) لا تَقُمْ فيهِ أَبَداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوى‏ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فيهِ فيهِ رِجالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرينَ (108)».[[14]](#footnote-14)

نقل شده است که رسول خدا عاصم بن عوف عجلانی و مالک بن دخشم را که از قبیله‌ی بنی عمرو بن عوف بود، فرستاد و به ایشان فرمود: به این مسجد که مردمی ظالم آن را ساخته‌اند بروید و خرابش نموده آن را آتش بزنید. در روایت دیگری آمده که پیامبر، عمار یاسر و یکی دیگر از یاران خویش را فرستاد و آن دو، آن مسجد را آتش زدند. سپس دستور داد تا جای آن را خاکروبه‌دان نموده، کثافات محل را در آن‌جا بریزند. این برای ما امروز ما بسیار درس‌آموز است. نباید فکر کنیم که اگر مسجدی از لحاظ ظاهری و بافت و بنا زیبا ساخته شد همه چیز تمام است. مسجد روح دارد و روح مسجد توحید است. اگر مسجد روح توحید نداشته باشد هیچ فرقی با دیگر ساختمان‌ها ندارد بلکه از آن جهت که مردم را منحرف می‌کند باید تخریب و سوزانده شود.

**تحریک احساسات**

بنابراین نباید ظاهربین بود و باید باطن هر عملی را دید. مؤمن تیزبین است، عمق قضیه را می‌بیند. همین است که اصحاب سیدالشهداء به وضو گرفتن و نماز خواندن سپاه بنی‌امیه توجه نمی‌کردند. آنها نگاهشان به امام بود و او را معنا و مفهوم نماز و دعا می‌دانستند. به همین دلیل تا آخرین قطره خون در راه حفظ جان او ایستادند؛ تا جایی که امام نگاه کرد دید تنهای تنها شده است. همه رفته‌اند و هیچ یار دیگری برای او نمانده است.

1. . کهف: 46. [↑](#footnote-ref-1)
2. . مریم: 76. [↑](#footnote-ref-2)
3. . نحل: 96. [↑](#footnote-ref-3)
4. . ممتحنه: 6. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان: 4. [↑](#footnote-ref-5)
6. . احزاب: 21. [↑](#footnote-ref-6)
7. . تفسیر عیاشی، ج 2، ص 144. [↑](#footnote-ref-7)
8. . وقایع الایام، شیخ عباس قمی، ص 88. [↑](#footnote-ref-8)
9. . و چون خانه [كعبه‏] را براى مردم محل اجتماع و [جاى‏] امنى قرار داديم، [و فرموديم:] «در مقام ابراهيم، نمازگاهى براى خود اختيار كنيد»، و به ابراهيم و اسماعيل فرمان داديم كه: «خانه مرا براى طواف‏كنندگان و معتكفان و ركوع و سجودكنندگان پاكيزه كنيد.» و چون ابراهيم گفت: «پروردگارا، اين [سرزمين‏] را شهرى امن گردان، و مردمش را ـ هر كس از آنان كه به خدا و روز بازپسين ايمان بياورد ـ از فرآورده‏ها روزى بخش»، فرمود: « و[لى‏] هركس كفر بورزد، اندكى برخوردارش مى‏كنم، سپس او را با خوارى به سوى عذاب آتش [دوزخ‏] مى‏كشانم، و چه بد سرانجامى است.» و هنگامى كه ابراهيم و اسماعيل پايه‏هاى خانه [كعبه‏] را بالا مى‏بردند، [مى‏گفتند:] «اى پروردگار ما، از ما بپذير كه در حقيقت، تو شنواى دانايى». [↑](#footnote-ref-9)
10. . توبه: 18. [↑](#footnote-ref-10)
11. . توبه: 108. [↑](#footnote-ref-11)
12. . بیانات در خطبه‏هاى نماز جمعه‏ى تهران سال1380 . [↑](#footnote-ref-12)
13. . مفردات راغب، ج 1، ص 586. [↑](#footnote-ref-13)
14. . و آنهايى كه مسجدى اختيار كردند كه مايه زيان و كفر و پراكندگى ميان مؤمنان است، و [نيز] كمينگاهى است براى كسى كه قبلاً با خدا و پيامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند ياد مى‏كنند كه جز نيكى قصدى نداشتيم. و[لى‏] خدا گواهى مى‏دهد كه آنان قطعاً دروغگو هستند. هرگز در آن جا نايست، چرا كه مسجدى كه از روز نخستين بر پايه تقوا بنا شده، سزاوارتر است كه در آن [به نماز] ايستى. [و] در آن، مردانى‏اند كه دوست دارند خود را پاك سازند، و خدا كسانى را كه خواهان پاكى‏اند دوست مى‏دارد. [↑](#footnote-ref-14)